درسنامه درس پنجم پایه دوازدهم

قدرت پرواز

مقدمه

در درس های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، رب و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در ادارهٔ جهان با او شریک نیستند. همهٔ موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می‌کنند.در درس گذشته یعنی فقط برای تو به موضوع اخلاص در بندگی و شروط عمل پرداخته شد و راه های تقویت اخلاص و میوه های درخت اخلاص تبیین شدند.

اخلاص در بندگی بدین معناست که شخص عملش را فقط برای رضای خداوند و همان گونه که او دستور داده است،انجام دهد.

شروط عمل

۱-حسن فاعلی(روح عمل):برخورداری از نیت الهی

۲-حسن فعلی(کالبد عمل):انجام کار مطابق با شکلی که خدا فرمان داده است.

راه های تقویت اخلاص

۱- افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند

۲- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او

۳- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات

میوه های درخت اخلاص

۱- دستیابی به درجاتی از حکمت

۲- نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه های شیطان

۳- دریافت پاداش های وصف نشدنی

در این درس به بررسی و پاسخ این سؤال خواهیم پرداخت :

۱- با توجه به اینکه همهٔ رخدادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟

۲- در این نظام که با علم و اراده الهی اداره می شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟ آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

هدف کلی درس: تبیین موضوع اختیار انسان و نسبت آن با نظام حاکم بر هستی.

مفاهیم اصلی درس: اختیار-نشانه های اختیار-قدر-قضا-عرضی-طولی-اراده خدا-اراده انسان-علم خدا-علم انسان.

اختیار، حقیقی وجدانی و مشهود

امور اختیاری و امور غیر اختیاری(طبیعی)

امور غیر اختیاری	امور اختیاری
حرکات قلب یک فرد برای گردش خون دستگاه گوارش حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد. قانون جاذبه زمین ،توالی فصل ها	حرکات پای فرد به هنگام قدم زدن حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد.
انسان توانایی در گزینش و اختیار آن ها را ندارد.	انسان توانایی در گزینش و اختیار آن ها را دارد محدود هستند و مبنای تصمیم گیری های ما و تعیین کننده سرنوشت ماست.

معنای اختیار: توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است. اختیار، یک حقیقت وجدانی است.

(معنای حقایق وجدانی: حقایق وجدانی اموری هستند که به قدری آشکار و بدیهی می باشند که هر کس بدون نیاز به هیچ دلیل و واسطه‌ای در درون خود به آنها علم دارد.)هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از آن بهره می برد و آن رااثبات می کند.

مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این گونه یادآوری می کند:

آن یکی می رفت بالای درخت — می فشاند آن میوه را دزدانه سخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دَنی — از خدا شرمت، بگو چه می کنی؟
گفت :از باغ خدا بنده خدا — می خورد خرما که حق کردش عطا
پس ببستش سخت آن دَم بر درخت — می زدش برپشت و پهلو چوب سخت
گفت :آخر از خدا شرمی بدار — می کُشی این بی گنه را زار زار
گفت :کز چوبِ خدا این بنده اش — می زند بر پشت دیگر بنده اش
چوبِ حق و پشت و پهلو، آنِ او — من غلام و آلت فرمان او
گفت :توبه کردم از جبر ای عیار — اختیار است، اختیار است، اختیار

مفهوم شعر:انکار عقیده جبری گری و وجود اختیار در انسان به عنوان یک حقیقت وجدانی که هر کس آن را در خود می باد و در عمل از آن بهره می برد.

نشانه‌ها و شواهد اختیار

۱- تفکر و تصمیم

هرکدام از ما همواره تصمیم هایی می گیریم و برای این تصمیم ها ابتدا اندیشه می کنیم و جوانب آن را می سنجیم و سپس دست به عمل می زنیم .گاهی نیز دچار تردید می شویم که ازمیان چندین راه و چندین کار، کدامی یک را انتخاب کنیم .دست آخر، پس از بررسی های لازم، یکی را برگزیده و عمل می کنیم.

این شعر مولودی تأیید گر «تفکر و تصمیم» به عنوان شاهد و نشانهٔ اختیار است:

این که فـردا ایـن کـنم یـا آن کـنم　　خـود دلیـل اختیـار اسـت‌ای صـنم

۲- احساس رضایت و پشیمانی

هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می گیرد .این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می دانیم .گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می شویم و به خود یا دیگری زیان می رسانیم .در این هنگام احساس پشیمانی می کنیم و با خود می گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی دادم .این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته ام.

این شعر مولوی تایید گر «احساس رضایت و پشیمانی» به عنوان شاهد و نشانهٔ اختیار است:

گر نبودی اختیار این شرم چیسـت　　این دریغ و خجلـت و آزرم چیسـت؟

وان پشیمانی که خوردی زان بـدی　　ز اختیار خویش گشتی مهتدی

۳- مسئولیت پذیری

هرکدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می دانیم .به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده ایم، آن را جبران می کنیم .عهدها و پیمان هانیز بر همین اساس استوارند .بنابراین، اگر کسی پیمان شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد خود را مستحق مجازات می داند.

این شعر مولوی تاگید گر «مسئولیت پذیری» به عنوان شاهد و نشانهٔ اختیار است:

هـیچ گـویی سـنگ را فـردا بیـا　　ور نیـایی مـن دهـم بَـد را سـزا؟

هـیچ عاقـل مـر کلـوخی را زنـد؟　　هـیچ بـا سـنگی عتـابی کـس کنـد؟

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ　　ما راه را به او نشان دادیم

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا　　یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس (انسان/ ۳)

نکات آیه

۱- مفهوم «یا شکرگزار(توحید عملی)خواهد بود یا ناسپاس(شرک عملی) » به انتخاب میان دو راه اشاره دارد، پس این آیه بیانگر اختیار است.

۲- خداوند راه درست را به انسان نشان داده است و این دیگر دست خود انسان است که آن راه را برود یا نرود(کشف راه درست زندگی).

۳- پیام ضمنی «الف» این آیه نشان دهندهٔ هدایت ویژه انسان است.

۴- پیام ضمنی «ب» این آیه نشان دهنده هدایت الهی توسط پیامبران است. یعنی به هدایت تشریعی اشاره دارد.

۵- این آیه بیانگر یکی از عوامل رشد در انسان یعنی قدرت اختیار و انتخاب اوست (درس ۲دهم) .

تدبر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات کدام یک از شواهد و نشانه های وجود اختیار در انسان را بیان می کند؟

قَد جاءَکُم بَصائِرُ مِن رَبِّکُم فَمَنْ أبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِیَ فَعَلَیها...

ترجمه:به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است.پس هر کس که بینا گشت،به سود خود اوست و هر کس کور دل گردد،به زیان خود اوست.

نکات آیه

۱- مفهوم « فَمَنْ أبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ» (پس هر که بینا گشت) و « وَمَنْ عَمِیَ فَعَلَیْهَا» (هر کس کوری پیشه کرد) به انتخاب میان این دو راه اشاره دارد؛ پس این آیه بیانگر اختیار(تفکرومسئولیت پذیری) است.

۲- خداوند راه درست را با رهنمودهایی به انسان ارائه کرده است و این دست خود انسان است که این راه را برود(هدایت) یا نرود(گمراهی).

۳- این آیه با آیهٔ «إنا هَدیَناهُ السبیل إما شاکراً و اما کفوراً» ارتباط مفهومی دارد و هر دو تاکید بر اختیار انسان دارند.

ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیکُمْ — این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست.

وَأَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیدِ — [وگرنه] خداوند هرگز نسبت به بندگان [خود] بیدادگر نیست. (آل عمران/ ۱۸۲)

نکات آیه

۱-« ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیکُمْ» نشان می‌دهد که علت وجود آتش دوزخ، گناهانی است که انسان‌ها با اختیار خود انجام داده‌اند.

۲- انسان چون مختار است: پس «مسئول اعمال اختیاری خودش است».

۳- رابطهٔ علت و معلولی: «انجام کارهایی که گناه بوده است» علّت است برای روی دادن این معلول، «عقوبت الهی».

۴- این آیه با آیهٔ « إِنَّا هَدَیْنَاهُ السَّبِیلَ إِمَّا شَاکِرًا وَإِمَّا کَفُورًا» و آیه « قَدْ جَاءَکُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِیَ فَعَلَیْهَا» ارتباط مفهومی دارد و هر سه بر اختیار انسان تأکید دارند.

قانونمندی جهان، زمینه ساز شکوفایی اختیار

خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آنجا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.

ممکن است در اینجا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می کنیم که خداوند امور آن راتدبیر می کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می کند وبه پیش می رود؛ به عبارت دیگر، ما در جهانی زندگی می کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است(قانونمند است)؛ پس دراین صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

قضا و قدر

قدر الهی	قضای الهی
۱- «قَدر » و « قَدَر» به معنای «اندازه »تقدیر به معنای« اندازه گرفتن» ۲-تعیین «حدود،اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی ،کیفیت و کمیت و روابط موجودات» توسط خداوند، نقشهٔ جهان با همه ریزه کاری‌ها و قانونمندی‌هایش از آن خدا و علم خداست. ۳-در نقشهٔ جهان نقص و اشتباهی نیست. ۴-آب دارای «ویژگی‌هایی»است که سبب رفع تشنگی می‌شود. ۵-شرایط دیوار مانند کج بودن یا محکم بودن، تقدیر است. ۶-تعیین، طول، عرض و ... یک موجود تقدیر الهی است. ۷-این که ماه در کدام مدار دور زمین می‌چرخد، الکترون‌های هر عنصر چه تعدادی هستند، تقدیر الهی است. ۸-خداوند با «حکمت» خود اندازه،ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند.	۱-قضا به معنای«به انجام رساندن»،«پایان دادن»،«حکم کردن»،«حتمیت بخشیدن» است. ۲-«ایجاد شدن» موجودات جهان با حکم و فرمان و اراده الهی «اجرا و پیاده کردن» نقشه جهان، «اجرا و پیاده کردن» قانونمندی‌ها به ارادهٔ خداست. ۳-«در اجرا و پیاده کردن» نقشهٔ جهان نیز نقص و اشتباهی نیست. ۴-«آفرینش» آب، به «قضا» اشاره دارد. ۵-فرو ریختن دیوار کج، قضای الهی است. ۶-خلق موجودات، قضای الهی است. ۷-آفرینش ماه و زمین و الکترون، قضای الهی است. ۸-خداوند با «ارادهٔ» خود، آنها را محقق می‌سازد.

اگر به «قضا و قدر الهی» معتقد نبودیم، نمی‌توانستیم با اطمینان خاطر کار و فعالیت انجام دهیم و از اختیار خود بهره بگیریم.

اگر به «قضا و قدر الهی» معتقدم نبودیم، هیچ نظمی را در پدیده‌ها نمی‌دیدیم و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آمد.

اصلاح یک پندار

معنای تقدیر این نیست که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند، در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعدهٔ خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره گیری است.

بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

داستانی از امام علی (ع) و یارانش:

روزی امیر مؤمنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایهٔ دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای اینکه مبادا دیوار روی او و یاران خراب شود. از آنجا برخاست و زیر سایهٔ دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» امام علی فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

پرسش: منظور امام علی از بیان این عبارت چه بود؟ «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

پاسخ: یعنی از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.

پرسش: افرادی که قضا و قدر الهی را با اختیار انسان ناسازگار می‌دانند، چگونه می‌اندیشند؟

پاسخ: آن‌ها تعریف غلطی از تقدیر دارند. آنها فکر می‌کنند که «تقدیر، ورای قانون مندی و نظم است» و فکر می‌کنند «هرگاه تقدیر بر حادثه‌ای تعلق بگیرد. هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند.»

اختیار انسان، یک تقدیر الهی

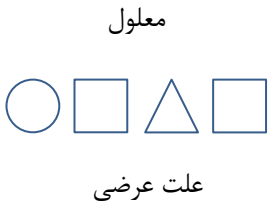
ساده ترین و آشکارترین تقدیرهای الهی، تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود است.

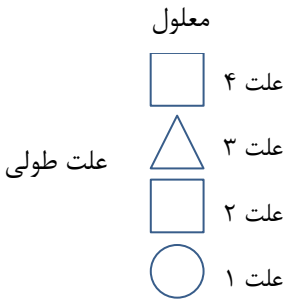
تقدیر الهی شامل «همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیهٔ روابط میان موجودات» نیز می‌شود.

خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را « با اختیار انجام دهد »و کسی نمی تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرارکند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

علل عرضی	علل طولی
۱-چند عامل به صورت «مجموعه» و با «همکاری» یکدیگر پدیده‌ای را به وجود می‌آورند. ۲-چند عامل با «مشارکت» یکدیگر پدیده‌ای را به وجود می‌آورند. ۳-هر عامل در این نوع از علل، به صورت «مستقیم» نقش متفاوتی را ایفا می‌کند. ۴-مثال: برای رویش گل مجموعه‌ای باغبان و خاک و ... لازم است.	۱-یک عامل بر روی عامل دیگر، اثر می‌گذارد و آن عامل بر عامل بعدی و ... تا به معلول برسد. ۲-کار پیدایش معلول را به «هر کدام» از عوامل می‌توان نسبت داد. ۳-هر عامل رابطه اش با معلول به صورت «غیر مستقیم» است. ۴-مثال: رابطهٔ قلم دستی که قلم در دست دارد و سیستم عصبی که موجب حرکت قلم و ... برای نوشتن لازم است.





در فعل اختیاری یعنی در هر کاری که با ارادهٔ خود انجام می‌دهیم تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌پذیرد.

وجود ما ارادهٔ ما و عمل ما، همگی وابسته به «ارادهٔ خداوند» است: ارادهٔ انسان در طول ارادهٔ خداوند است و با آن منافات ندارد.

بررسی

با اینکه قضای الهی و اختیار هر دو چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟

پاسخ: به طور کلی انسان‌ها تمایل دارند که شکست‌های خود را گردن خود نیندازند چرا که «عزت نفس» آدم‌های شکست خورده جریحه دار می‌شود و وقتی شکست‌های خود را به تقدیر مربوط می‌کنند، فشار روانی شکست را کاهش می‌دهند.

نمونه:

پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی (ع) سؤال کرد: آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟

آن حضرت پاسخ دهد: «آری، از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی، آن پرد پرسید:

«پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قد راست که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود)

امام علی (ع) فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با ارادهٔ خود رفتید، اجر حضور در جبهه، زیرا به ارادهٔ خویش در آنجا حضور داشتید اجر بازگشت از نبرد، زیرا به ارادهٔ خویش بازگشتید و در هیچ یک از این مراحل مجبور نبودید.»

سپس امام ، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از این که گفتم رفتنتان بنابر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بودف پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»

نکات

۱-امام علی (ع) قضا و قدر را جبری و حتمی نمی‌دانند.

۲-امام علی (ع) قضا و قدر را مخالف با اختیاری بودن رفتارهای انسان نمی‌دانند.

۳-امام علی (ع) معتقدند اگر قضا و قدر جبری و حتمی باشد، در این صورت مفهوم پاداش و مجازات بیهوده و باطل خواهد بود.

۴-ما انسان‌ها در دایرهٔ قضا و قدر الهی، مختار هستیم. یعنی در چارچوب قوانین الهی، اختیار داریم.

پاسخ به یک پرسش:

ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که:

«اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آیندهٔ مرامی داند، پس دیگر تلاش و ارادهٔ من، چه نقشی در آینده ام دارد ؟»

علت این که ایراد فوق به وجود می‌آید این است که: پرسش کننده فکر می‌کند «علم بشری» با «علم الهی» یکی است در حالی که چنین نیست.

مقایسه علم الهی و علم بشری

علم الهی	علم بشری
۱-شامل: فرآیند انجام حوادث + پایان و نتیجه امور ۲-مثال: خداوند نه تنها می‌داند که آیندهٔ یک دانش آموز چیست، بلکه می‌داند که دانش آموز تا زمان رسیدن به نتیجه چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت. ۳-علم الهی، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است.	۱-شامل: پایان + نتیجهٔ امور ۲-مثال: معلم، آیندهٔ یک دانش آموز را می‌تواند پیش بینی کند؛ اما نمی‌تواند بداند که دانش آموز تا زمان رسیدن به نتیجه چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت. ۳-علم بشری: بر اساس یک پیش بینی صِرف دربارهٔ نتیجه است.

چکیده درس

اختیار: توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است. یک حقیقت وجدانی است.

انواع عمل:۱-اختیاری،۲-غیر اختیاری.

نشانه‌ها و شواهد اختیار:۱- تفکر و تصمیم،۲- احساس رضایت یا پشیمانی،۳- مسئولیت پذیری.

قانونمندی جهان، زمینه ساز شکوفایی اختیاراست.

قدر و قضای الهی: « قَدر» و « قَدَر» به معنای «اندازه» و «تقدیر» به معنای « اندازه گرفتن» است و«قضا » به معنای «حتمیّت بخشیدن » ، « حکم کردن » ، «پایان دادن » و «به انجام رساندن » است.

قدر ناشی از علم وحکمت خداست و قضا ناشی از اراده خداست.

اختیار انسان یک تقدیر الهی است.

علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند:۱-علل عرضی،۲-علل طولی.

اراده انسان در طول اراده خدا و موخر از آن است و با آن منافات ندارد.

علم الهی، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است. علم بشری، بر اساس یک پیش بینی صِرف دربارهٔ نتیجه است.

سوالات پایانی

۱-اختیار چیست؟

۲-با ذکر مثال عمل اختیاری را با عمل غیر اختیاری مقایسه کنید.

۳-نشانه ها و شواهد اختیار رانام ببرید.

۴-قضا و قدر به چه معنی اند؟

۵-به چه دلیل نه در نقشه جهان نقصی است و نه در اجرا و پیاده کردن آن؟

۶-علل طولی و علل عرضی را با مثال تعریف کنید.

۷-رابطه اراده خداوند با اراده انسان را توضیح دهید.

۸-برداشت نادرست از علم الهی نسبت به آینده انسان و سایر امور ناشی از چیست؟

۹-منظور از اینکه اختیار انسان یک تقدیر الهی است،چیست؟

با تشکر از توجه شما